



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۳ آذر ۱۳۹۱

مصادف با: ۱۸ محرم الحرام ۱۴۳۴

جلسه: ۳۴

موضوع کلی: وضع

موضوع جزئی: تقسیم دوم وضع (اقسام چهارگانه)

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

عرض کردیم وضع دارای انقسامات مختلف است، تقسیم اول وضع را بیان کردیم که وضع به وضع تعیینی و وضع تعیینی تقسیم می‌شود. نتیجه این شد که بنا بر نظریه مختار این تقسیم قابل قبول نیست.

تقسیم دوم: وضع عام موضوع له عام، وضع خاص موضوع له خاص، وضع خاص موضوع له عام و وضع عام موضوع له خاص.

قبل از اینکه به بررسی اقسام چهارگانه فوق پردازیم لازم است به دو نکته اشاره کنیم:

وجه تقسیم وضع به چهار قسم:

این تقسیم برای وضع به چه اعتبار است چون وقتی یک مقسم به تقسیمات متعدد عرضی منقسم به اقسام مختلف می‌شود بدیهی است که ما در هر تقسیمی نیازمند به یک وجه و اعتبار برای تقسیم هستیم. در تقسیم وضع به تعیینی و تعیینی وضع به اعتبار واضع به تعیینی و تعیینی تقسیم شد یعنی آنجا لحاظ کردیم واضع را که آیا واضع معین دارد یا نه که اگر واضع معین داشته باشد وضع تعیینی و اگر واضع معین نداشته باشد وضع تعیینی است. حال سؤال این است که در این تقسیم به چه لحاظی وضع به این چهار قسم تقسیم می‌شود؟ برای اینکه این مطلب روشن شود توضیح مختصری را ذکر می‌کنیم که می‌تواند مبین اعتبار تقسیم سوم هم باشد.

همان طور که اشاره کردیم در باب وضع مبانی مختلفی وجود دارد ولی بر طبق همه مبانی در باب حقیقت وضع این نکته مسلم است که واضع در واقع بین لفظ و معنی یک علقه و ارتباط ایجاد می‌کند و به همین منظور لازم است در حین عملیات وضع طرفین مسئله را یعنی هم لفظ و هم معنی را تصور کند چون واضع می‌خواهد یک ارتباط بین دو طرف ایجاد کند، وقتی کار واضع و عملیات وضع متقوم به دو طرف است که یک طرف لفظ و طرف دیگر معنی است پس چاره‌ای ندارد جز اینکه هم لفظ و هم معنی را مستقلاً تصور کند تا بتواند بین آن دو علقه و ارتباط برقرار کند که این ارتباط طبق مبانی مختلف در باب وضع فرق می‌کند. پس عملیات وضع به عنوان کاری که واضع متکفل آن است مستلزم تصور لفظ و معنی به طور مستقل است، وقتی واضع در مقام وضع لفظ را تصور می‌کند اینجا به اعتبار تصور و لحاظ لفظ، دو قسم وضع شخصی و وضع نوعی پیدا می‌شود و به اعتبار لحاظ معنی وضع به چهار قسم وضع عام موضوع له عام، وضع خاص موضوع له خاص، وضع عام موضوع له خاص و وضع خاص موضوع له عام تقسیم می‌شود که بعداً اشاره خواهیم کرد که چگونه لحاظ معنی منجر به تولید

چهار قسم برای وضع می‌شود. پس وضع به اعتبار لحاظی که در حال وضع از ناحیه واضع نسبت به معنی صورت می‌گیرد به اقسام چهارگانه فوق تقسیم می‌شود.

حصر عقلی اقسام چهارگانه:

تقسیم وضع به چهار قسم مذکور یک تقسیم و حصر عقلی است. گاهی تقسیم استقرائی است و گاهی عقلی که حصر وضع در چهار قسم مذکور یک حصر عقلی است چون معنای متصور و ملحوظ واضع یا کلی است یا جزئی و شق سومی در کار نیست چون اگر احتمال وجود شق سوم بود عقلی بودن تقسیم و حصر از بین می‌رفت؛ زیرا ملاک عقلی بودن حصر این است که امر اقسام دائر بین نفی و اثبات است یعنی می‌گوییم یا این چنین هست یا نیست و خارج از آن دو قسم اقسام دیگری متصور و محتمل نیست لذا در این صورت حصر عقلی است و در ما نحن فیه هم معنای متصور یا کلی است و یا کلی نیست یعنی جزئی است و شق سومی ندارد. اگر کلی و عام باشد یا لفظ برای همان معنای عام وضع می‌شود و یا برای مصادیق و خصوصیات آن و اگر معنی کلی و عام نباشد یعنی جزئی و خاص باشد یا لفظ برای همان معنای جزئی و خاص وضع می‌شود یا برای کلی آن و شق سومی ندارد. پس معنی یا کلی است یا کلی نیست یعنی جزئی است و شق سومی ندارد و مهم در حصر عقلی این است که احتمال شق سوم وجود نداشته باشد.

مقامات سه‌گانه:

اساس بحث در تقسیم دوم از وضع در سه مقام است:

مقام اول: در مورد تعریف و معنای این اقسام است که باید ببینیم آیا تعریف و تفسیر واحدی از این چهار قسم وضع وجود دارد یا در تعریف این اقسام هم اختلاف است؟ ملاحظه خواهید کرد که در تعریف خود این اقسام هم اختلاف وجود دارد مثلاً در مورد وضع عام و موضوع له عام حداقل سه تصویر محقق عراقی ذکر کرده که دو تا را به مشهور نسبت داده و یکی را خود ایشان بیان می‌کند. پس مقام اول مربوط به تعریف و تصویر این اقسام چهارگانه است.

مقام دوم: بعد از فراغ از تصویر و تعریف این اقسام باید دید آیا این اقسام ثبوتاً ممکن‌اند یا خیر و به عبارت دیگر آیا این اقسام امکان عقلی دارند یا نه؟ آیا عقلاً محذوری از این تقسیم لازم می‌آید یا خیر؟ پس مقام دوم بحث از امکان ثبوتی و عقلی این اقسام است.

مقام سوم: در این مقام بحث از این است که کدام یک از این اقسام در خارج واقع شده یعنی آیا در خارج مثال و نمونه‌ای برای این اقسام وجود دارد و آیا واضع هر چهار نحوه وضع را در خارج محقق ساخته یا نه فقط برخی از این اقسام چهارگانه در خارج محقق شده است. پس مقام سوم مربوط به مقام اثبات است.

مقام اول: معنای اقسام چهارگانه

اما مقام اول که بحث در تعریف و تصویر اقسام چهارگانه وضع بود. ما یک تصویر کلی طبق نظر مشهور از این چهار قسم ذکر می‌کنیم تا هم یادآوری باشد نسبت به آنچه که سابقاً در کفایه و دیگر کتب خوانده‌اید و هم اگر مشکلی در تصویر مسئله وجود داشته باشد بر طرف شود.

همان گونه که عرض کردیم به طور کلی طبق همه مبانی در باب وضع لازم است واضع برای عملیات وضع، لفظ و معنی را مستقلاً تصور کند، وقتی واضع می‌خواهد معنی را تصور کند اگر آن معنای متصور و ملحوظ در حین وضع کلی و قابل انطباق بر مصادیق متکثر باشد و لفظ را برای همان معنی وضع کند در این صورت وضع عام و موضوع‌له هم عام می‌باشد.

ما وقتی می‌گوییم وضع عام و موضوع‌له عام و همین طور در مورد سایر اقسام چهارگانه، در واقع سه عنوان داریم که اگر به این سه دقت کنیم مسئله راحت و آسان می‌شود که عبارتند از:

الف) عنوان موضوع که همان لفظ است.

ب) عنوان وضع که منظور از وضع معنای مصدری آن نیست بلکه منظور از وضع در ما نحن فیه همان معنای متصور است، وقتی می‌گوییم وضع عام و موضوع‌له عام منظور این است که المعنی المتصور عامٌ و الموضوع‌له عامٌ.

ج) عنوان موضوع‌له که معنایی است که لفظ برای آن قرار داده شده است یعنی در واقع قبل از وضع این معنی باید توسط واضع تصور شود تا عملیات وضع صورت گیرد.

گفتیم برای اینکه واضع بتواند عملیات وضع را انجام دهد و بین لفظ و معنی ارتباط برقرار کند لازم است لفظ و معنی را مستقلاً تصور کند و بعد که لفظ برای معنی وضع شد آن معنی موضوع‌له می‌شود، پس تا قبل از اینکه واضع بگوید وضعتُ هذا اللفظ لهذا المعنی هنوز چیزی به نام موضوع‌له محقق نشده ولی در عین حال معنی معدوم هم نیست چون آن معنی در ذهن واضع متصور است که لفظ را برای آن معنی قرار می‌دهد.

۱- وضع عام و موضوع‌له عام: گاهی واضع در حین وضع و در مقام وضع یک معنای کلی و عام را تصور می‌کند و لفظ را هم برای همان معنای کلی قرار می‌دهد که در این صورت معنای متصور و موضوع‌له با هم یکی هستند یعنی وضع عام و موضوع‌له هم عام است. وقتی گفته می‌شود وضع عام است منظور این است که معنای متصور عام است که قابل انطباق بر مصادیق متعدده است، حال اگر واضع همان معنای متصور را موضوع‌له قرار داد و لفظ را هم برای همان معنای متصور قرار داد در این صورت موضوع‌له هم عام می‌باشد، پس اینکه گفته می‌شود وضع عام و موضوع‌له عام است منظور معنای مصدری وضع نیست بلکه منظور این است که واضع در حین وضع و قبل از وضع یک معنای کلی را تصور کرده و لفظ را برای همان معنای کلی قرار داده است که وضع عام و موضوع‌له هم عام می‌باشد.

۲- وضع خاص و موضوع‌له خاص: گاهی واضع در حین وضع و در مقام وضع یک معنای جزئی را تصور می‌کند و لفظ را برای همان معنای جزئی قرار می‌دهد که در این صورت معنای متصور جزئی و خاص است و واضع لفظ را برای همان معنای جزئی جعل می‌کند و همین معنی را موضوع‌له لفظ قرار می‌دهد که معنای متصور و موضوع‌له با هم یکی هستند یعنی وضع خاص و موضوع‌له هم خاص است. پس وضع خاص و موضوع‌له خاص یعنی معنای متصور حین وضع و قبل از وضع لفظ خاص و موضوع‌له هم خاص است.

۳- وضع عام و موضوع‌له خاص: گاهی واضع در مقام وضع یک معنای کلی و عام را تصور می‌کند ولی لفظ را برای آن معنای عام و کلی جعل نمی‌کند بلکه لفظ را برای مصادیق آن معنای کلی قرار می‌دهد که در این صورت چون معنای متصور کلی است وضع عام می‌باشد اما موضوع‌له خود این معنای کلی نیست بلکه مصادیق آن معنای کلی است؛ مثلاً واضع وقتی می‌خواهد لفظ من را وضع کند معنای کلی ابتدائیت را تصور می‌کند ولی لفظ من را برای این معنای کلی قرار نمی‌دهد بلکه برای مصادیق و خصوصیات آن معنای متصور کلی جعل می‌کند که عبارتند از هر ابتدائی که هر کسی در هر جایی داشته باشد یعنی هر کسی که بخواهد ابتداء خودش را در یک مورد خاص بگوید از لفظ من استفاده می‌کند. پس وضع عام و موضوع‌له خاص به این معنی است که معنای متصور عام و کلی است اما موضوع‌له یک معنای خاص و جزئی است.

۴- وضع خاص و موضوع‌له عام: گاهی واضع در مقام وضع یک معنای جزئی را تصور می‌کند ولی لفظ را برای خود آن معنای جزئی جعل نمی‌کند بلکه لفظ را برای کلی و عام آن جزئی قرار می‌دهد که در این صورت وضع خاص و موضوع‌له عام می‌باشد یعنی معنای متصور حین وضع خاص است ولی موضوع‌له عام است. حال اینکه این قسم چگونه قابل تصویر است و آیا چنین چیزی امکان دارد یا نه بحثی است که انشاء الله بعداً به آن خواهیم پرداخت.

ما در مقام اول تصویر این اقسام چهارگانه را عرض کردیم تا تفاوت تعریف مشهور و دیگران مشخص شود. آنچه ذکر شد تعریف و تبیینی است که مشهور از اقسام چهارگانه وضع دارند اما راجع به بعضی از اقسام تفسیرها و تصویرهای خاصی ارائه شده است؛ مثلاً محقق عراقی یک تصویر از بعضی از اقسام دارد، محقق اصفهانی تصویر دیگری دارد و مرحوم سلطان العلماء هم تصویری غیر از این تصاویر دارد که انشاء الله در جلسه آینده به ذکر و بررسی این آراء و انظار خواهیم پرداخت و باید ببینیم آیا این تصویر و تفسیرها صحیح است یا نه.

«والحمد لله رب العالمین»